

بازسازی الگوهای استقراری فرهنگ کورا-ارس در شرق کردستان

زحرار جیبون*، علی بنیا** و دکتر امیر ساعد موچی***

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه آزاد ابهر، کارشناس میراث فرهنگی استان کردستان

*** استادیار گروه هنر و معماری، دانشگاه پیام نور همدان

چکیده

شرق استان کردستان، منطقه مورد مطالعه این مقاله، شامل سه شهرستان بیجار، قروه و دهگلان است. این منطقه بصورت دشت مرتفعی است که از لحاظ ناهمواری متفاوت از غرب کردستان است. در نتیجه بررسی‌های باستان‌شناختی که در سال‌های اخیر از سوی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان در این منطقه صورت گرفته، محوطه‌هایی از دوران پیش از تاریخ تا دوره اسلامی شناسایی شده که در این بررسی‌ها ۲۱ محوطه مربوط به فرهنگ کورا-ارس بدست آمده است. هدف از این مقاله بازسازی الگوهای استقراری محوطه‌های مربوط به این فرهنگ در شرق کردستان و رابطه آن‌ها با محیط است. در این تحلیل شاخصه‌هایی چون میزان ارتفاع از سطح دریا، دوری و نزدیکی به منابع آب، مساحت محوطه‌ها، میزان شیب و جهت شیب محوطه‌ها در نظر گرفته شده و برای این منظور از نرم افزار GIS استفاده شده است. این مطالعه نشان می‌دهد که استقرارهای مربوط به فرهنگ کورا-ارس در بخش جنوبی منطقه مورد مطالعه تمرکز یافته‌اند و قسمت شمالی تقریباً فاقد محوطه‌های این فرهنگ است. نتیجه‌ای که از این مطالعات حاصل شده، شناسایی چندین الگوی استقراری مبتنی بر زیستگاه‌های دائمی و فصلی فرهنگ کورا-ارس در این منطقه است. در این مقاله به مطالعه و بازسازی این الگوها پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: شرق کردستان، فرهنگ کورا-ارس، الگوهای استقراری، نرم افزار GIS، زیستگاه‌های دائمی و فصلی.

درآمد

سواحل جنوبی دریای خزر و مناطق کوهستانی مجاور شمال شرق آذربایجان و جنوب داغستان (Kohl, 2009)، سوریه، لبنان، اردن و فلسطین (8: Batiuk & Rothman, 2007) گسترده شده است. این فرهنگ به علت گسترش وسیع خود با نام‌های مختلفی شناخته شده است که این نام‌ها شامل "فرهنگ کورا-ارس" (Kuftin, 1940)، "فرهنگ نوسنگی مس قفقاز" (Burney & Lang, 1971)، "فرهنگ شنکاویت" (Baiburtyan, 1938)، "عصر برنز قفقاز" (برنی و لانگ،

فرهنگ کورا-ارس در ایران، فرهنگ شناخته‌شده‌ای است که تقریباً از نیمه اول هزاره چهارم قبل از میلاد تا اواخر هزاره سوم را در بر می‌گیرد. این فرهنگ علاوه بر شمال غرب ایران، زاگرس مرکزی و قسمت‌های غربی فلات مرکزی ایران در مناطق مختلفی چون شمال شرق آناتولی، نواحی گسترده‌ای از جنوب قفقاز، قسمت‌های فوقانی و مرکز رودخانه کورا-ارس و

Email Address: z.rajabiun@yahoo.com
alibehnia74@yahoo.com
saedmucheshi@gmail.com

راوز، قرضیاء الدین، تپه زیر روستای جدید بسطام که همگی در دشت‌های حاصلخیز بزرگ قرار گرفته‌اند (Kroll, 2004). در حوزه غرب دریاچه ارومیه هم در محوطه‌هایی چون عزیزخان ۲ و ۳، کوتلان ۲، دولامحکمه، گره‌زیارتا و حصار بالولان آثاری از فرهنگ ماوراء قفقاز قدیم بدست آمده است (خان‌محمدی و خرازی، ۱۳۹۲). در محوطه حسنلو واقع در دشت سلدوز در لایه VIIc چند عدد سفال از نوع سفال‌های اوایل فرهنگ ماوراء قفقاز گزارش شده که نشانه مبادله و ارتباط با اقوام کورا-ارسی بوده است (Kroll, 2004; Muscaralla, 2006). همچنین در حوزه شرقی دریاچه ارومیه هم این فرهنگ در گل تپه در طرف غرب شهر عجب‌شیر شناسایی شده است. (Talai, 1984).

فرهنگ کورا-ارس در زاگرس مرکزی برای اولین بار در بررسی کابلریانگ در دره‌های اسدآباد، کنگاور، صحنه، نهاوند و بروجرد شناخته می‌شود (Young, 1966; Henrickson, 1986). بعد از آن با مطالعات بیش‌تر در دره کنگاور علاوه بر گودین IV، پانزده محوطه شناسایی شده است (Young, 1975). از محوطه‌هایی چون باباقاسم و سنگلان تپه سفال‌های فرهنگ کورا-ارس بدست آمده است (Mason & Copper, 1999). علاوه بر آن در دشت نهاوند محوطه‌های کورا-ارسی چون تپه سردوران، تپه بره‌فراخ، تپه قلعه شیرزاد، تپه رود حسن‌آباد، تپه سلگی، تپه بابایی، تپه کهریز صفی‌خانی، تپه گبر گور نصیب (سعیدی هرسینی و دیگران، ۱۳۸۷) گزارش شده است. این فرهنگ همچنین در سه محوطه در دشت ملایر شناسایی شده است (Howell, 1979). مطالعات عباس مترجم در دشت‌های پیرامون الوند همدان باعث شناسایی بیش از ۹۰ محوطه کورا-ارسی شده است. وی با استفاده از نرم افزار GIS نشان داده مرکز ثقل آن‌ها در شرق زاگرس مرکزی است (مترجم، ۱۳۸۷). از دیگر محوطه‌های مرتبط با این فرهنگ می‌توان برای مثال به تپه پسا در همدان (Mohammadifar et al., 2009) و تپه گوراب در ملایر (خاکسار، ۱۳۸۵) اشاره نمود. همچنین از تحتانی‌ترین لایه‌های تپه پری در ۲۸ کیلومتری جاده ملایر به اراک آثار مربوط به فرهنگ کورا-ارس بدست آمده است (باباپیری، ۱۳۸۴). در فلات مرکزی نیز آثار این فرهنگ در ابراهیم‌آباد (طلایی، ۱۳۸۷)، دوران‌آباد و پیروسیان

(Burney, 1958)، "عصر مفرغ اولیه آناتولی شرقی" (Burney, 1958)، "فرهنگ یانیق" (برنی و لانگ، ۱۳۸۶)، "فرهنگ گودین IV" (Young & Levine, 1974)، "قفقاز-آناتولی خاوری نخستین (قفقاز نخستین)" (برنی و لانگ، ۱۳۸۶)، "آموک فاز H-I" (Braidwood & Braidwood, 1960). "فرهنگ خارج از هلال حاصلخیزی" (Kelly-Buccellati, 1980)، و در لوانت "فرهنگ خربت کراک" (Amiran, 1965)، در فلسطین بر اساس محل کشفی در دره اردن "ظروف بت-جره" نامگذاری شده است (برنی و لانگ، ۱۳۸۶). علاوه بر این، فرهنگ کورا-ارس در آناتولی "فرهنگ کاراز" و در سوریه "فرهنگ سفال خاکستری براق" (علیزاده، ۱۳۹۱) نیز نامیده شده است. این نوع سفال از کاوش محوطه‌ای به نام شاملو در منطقه سلیمانیه عراق شناسایی و با نام سفال شاملو نیز معرفی شد (Janabi, 1961: pls. 5, 6, 11, 12, 17). در واقع هر یک از این اصطلاحات بدلیل رواج این فرهنگ در گستره وسیع حوضه جغرافیایی است و با توجه به اینکه آثار این فرهنگ در مناطق مختلفی بدست آمده نام‌های مختلف بر آن نهاده‌اند. ولی نام کورا-ارس به علت اینکه ویژگی‌های این فرهنگ را به صورت جامع‌تری نشان می‌دهد (رضالو و زبازند، ۱۳۹۴: ۷) رواج بیش‌تری یافته است.

بر اساس مطالعات باستان‌شناسی در شمال غرب ایران آثار فرهنگ کورا-ارس برای اولین بار در گوی تپه در ۱۹۴۸ توسط پروتون براوان بدست آمد (Burney, 1970). بعد از آن این فرهنگ را در محوطه‌های بارزی چون یانیق تپه (Burney, 1961a&b; 1962; 1964) هفتون تپه (Burney, 1972; 1973; 1974; 1975; 1976) شناسایی شده. محوطه‌های دیگری چون تپه دوزداغی با ابعاد تقریبی ۱۵۵ در ۴۰۰ از بزرگ‌ترین مکان‌های دارای فرهنگ کورا-ارس در دشت خوی است. به غیر از این نه محوطه دیگر شناسایی شده است (عمرانی، ۱۳۸۴: ۱۷۱). علاوه بر این فرهنگ کورا-ارس در جبهه شمالی دریاچه ارومیه، در شهرستان‌های شبستر و مرند گزارش شده است (عمرانی، ۱۳۸۴: ۱۷۱). از دیگر محوطه‌های کورا-ارسی شناخته شده در شمال غرب ایران کول تپه هادی شهر (Abedi et al., 2014)، کول تپه در شمال خوی، بلورآباد، خزرلو،

در سال ۱۳۸۷ توسط علی بهنیا (۱۳۸۷) بررسی شد که این مقاله حاصل مطالعه یافته‌های حاصل از این بررسی‌ها است.

بستر جغرافیایی

شرق کردستان از طرف شمال با استان‌های زنجان و آذربایجان غربی، از طرف شرق با استان‌های زنجان و همدان، از طرف جنوب شرقی با استان همدان، از طرف جنوب با استان کرمانشاه و از طرف غرب با شهرستان‌های دیوان‌دره، سنندج و کامیاران در داخل استان کردستان همسایه است (نقشه ۱). در واقع این منطقه به صورت دشت ناهمواری دیده می‌شود که متفاوت از غرب کردستان است. از طرفی کردستان همچون پلی شمال غرب ایران را به زاگرس مرکزی متصل می‌کند.

از لحاظ زمین‌شناسی شرق کردستان در واقع ناهمواری‌های بین شهرستان‌های قروه (قروه و دهگلان)، بیجار و سنندج است که از مناطق مجاور متمایز شده‌اند. خطوط اساسی چهره ناهمواری در این واحد را دشت‌های وسیع هموار تا عارضه‌دار تشکیل می‌دهد که به وسیله سدهای کوهستانی احاطه شده‌اند. سد کوهستانی حاشیه جنوبی و غربی کردستان جزو واحد سنندج-سیرجان محسوب می‌شود و از سنگ‌های رسوبی و دگرگون ساخته شده است. در شمال منطقه مورد مطالعه، کوه شاه‌نشین (۳۳۲۰ متر) و انشعابات آن کردستان را از آذربایجان جدا می‌کند و در مشرق نیز دشت‌های کردستان به وسیله دیواره‌های کوهستانی زنجان محدود شده‌اند (علایی طالقانی، ۱۳۸۳). علاوه بر این براساس مطالعاتی که بر روی خاک شرق کردستان (بیجار، قروه و دهگلان) صورت گرفته، خاک این منطقه شامل خاک‌های قهوه‌ای آهکی، آبرفتی، آهکی، چمنی با حالت قلیایی، قلیایی و سولونتنز است. در بین این خاک‌ها، خاک قهوه‌ای آهکی حدود ۷۰/۲٪ از کل خاک‌ها، بیش‌ترین خاک این منطقه را شامل می‌شود. این خاک بعلت کم‌تر بودن کربنات‌ها، اکثراً دارای pH تقریباً خنثی و برای پوشش گیاهی مساعد است (دوشوفور، ۱۳۵۷: ۸۵). همچنین اگر به حد کافی عمیق و سنگلاخی باشد، برای کشاورزی غلات مساعد است (دوشوفور، ۱۳۵۷: ۱۰۴).

همان گونه که گفته شد این منطقه دارای دو حوضه آبگیر

(فاضلی، ۱۳۸۵) و تپه شیزر (ولی‌پور، ۱۳۸۵) و درحوضه آبریز ابهرود از محوطه‌های الکتریچای، خراسانو و چشمه‌قنبر (عالی، ۱۳۸۵)، قلعه‌تپه ابهر (نقشینه، ۱۳۹۰ الف)، علی‌یوردتپه صائین قلعه (نقشینه، ۱۳۹۰ ب)، همچنین ابراهیم‌آباد و گرمولی قبری (تپه قبرگرمابه) در شهرستان قیدار (زارعی و سیدزیدی، ۱۳۸۹) بدست آمده است.

در شرق کردستان که شامل دو حوضه آبگیر قزل‌اوزن و تلوار است^۱ مربوط به فرهنگ کورا-ارس شناسایی شده است (رجیون، ۱۳۹۳). در این منطقه علاوه بر فرهنگ کورا-ارس دوره‌های مس‌سنگی میانه و جدید، عصر آهن، دوره تاریخی و اسلامی نیز دیده می‌شود. در دوره مس‌سنگی براساس مطالعات ساعد موجشی در حوضه آبگیر تلوار چند نوع سنت سفالی از نوع دالما، دالما-عبید، سه گابی و گودین VI و VII مشاهده می‌شود (ساعد موجشی و دیگران، ۱۳۹۰ الف) و در حوضه آبگیر قزل‌اوزن هم سنت‌های سفالی چون: دالما، پیزدلی و گودین VI، VII و IX دیده می‌شود (ساعد موجشی، ۱۳۹۲؛ ساعد موجشی و دیگران، ۱۳۹۰ ب).

از لحاظ پیشینه مطالعاتی، سابقه مطالعات باستان‌شناسی در شرق کردستان به بررسی‌های سوئینی باز می‌گردد (Swiny, 1975) که در خلال آن فرهنگ کورا-ارس در این منطقه شناسایی شد. بعد از انقلاب اسلامی بررسی‌های متوالی و همچنین کاوش باستان‌شناختی نجات‌بخشی و مطالعاتی انجام شده است. در سال ۱۳۷۱ نجف‌آباد بیجار و حومه توسط هوشنگ ثبوتی بررسی شد. بعد از او اقبال عزیزی بخش چهاردولی شرقی و غربی در شهرستان قروه (۱۳۷۸) و همچنین قسمت جنوب بیجار را بررسی کرد (۱۳۸۱). قسمت‌های شمالی شهرستان بیجار طی چندین سال متوالی توسط ابراهیم الیاسوند بررسی شد (۱۳۸۵؛ ۱۳۸۶؛ ۱۳۸۷). در شهرستان دهگلان در سال ۱۳۸۶ بررسی‌های باستان‌شناسی توسط زاهد کریمی در ییلان جنوبی صورت گرفت (۱۳۸۶). بخش سریش‌آباد شهرستان قروه

۱- رودخانه تلوار را می‌توان هم آبگیر و هم آبریز به حساب آورد. بدلیل اینکه از یک طرف آبگیر رودهای جنوب منطقه مورد مطالعه است و از طرف دیگر خود آبریز رودخانه قزل‌اوزن است. در این مقاله بخاطر مطالعات دقیق‌تر هر دو آن‌ها با عنوان آبگیر آورده شده است.

و دسته چهارم محوطه‌هایی که بیش‌تر از ۷۰۰ متر با رودخانه فاصله دارند.

بر این اساس، از ۲۱ محوطه مورد مطالعه ۱۱ محوطه در گروه اول قرار گرفته که در کل حدود ۵۲/۳۸٪ از محوطه‌ها را شامل می‌شود. گروه دوم، پنج محوطه (۲۳/۸۰٪)، گروه سوم دو محوطه (۹/۵۲٪) و گروه چهارم سه محوطه (۱۴/۲۸٪) را شامل می‌شود. بر این اساس بیش‌تر محوطه‌ها در فاصله کم‌تر از ۱۰۰ متر قرار داشته و محوطه‌هایی که در فاصله بیش‌تر از ۷۰۰ متر واقع شده در نزدیکی چشمه قرار گرفته‌اند. در مجموع ۸۷/۵٪ از محوطه‌ها در فاصله کم‌تر از ۳۰۰ متر از رودخانه قرار گرفته‌اند (نقشه ۳ و نقشه رنگی ۳).

۳- مساحت محوطه‌ها: این شاخصه یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تعیین الگوی استقراری است. در این شاخصه محوطه‌ها به سه دسته تقسیم شده‌اند: دسته اول محوطه‌های کم‌تر از یک هکتار، دسته دوم محوطه‌های بین ۱ تا ۲ هکتار و دسته سوم محوطه‌های بین ۳ تا ۵ هکتار.

در بین محوطه‌های مورد مطالعه ۱۱ محوطه مساحتی کم‌تر از ۱ هکتار دارند که در مجموع حدود ۵۲/۳۸٪ را شامل می‌شود. هفت محوطه مساحتی حدود ۱ تا ۲ هکتار دارند که ۳۳/۳۳٪ از کل محوطه‌ها را شامل می‌شوند و سه محوطه هم مساحتی بین ۳ تا ۵ هکتار دارند که در مجموع ۱۴/۲۹٪ محوطه‌ها را شامل می‌شود. در کل مساحت بیش‌ترین تعداد محوطه‌ها کم‌تر از ۱ هکتار است (نقشه ۴ و نقشه رنگی ۴).

۴- میزان شیب محل استقرار: از لحاظ میزان شیب محوطه‌ها در سه دسته از شیب صفر تا ۱۹° قرار دارند. در این شاخصه از مجموع ۲۱ محوطه مورد مطالعه ۱۲ محوطه در شیب بین صفر تا ۵° قرار گرفته‌اند که در مجموع ۵۷/۱۴٪ درصد محوطه‌ها را شامل می‌شود. هفت محوطه در شیب بین ۵° تا ۱۳° قرار گرفته‌اند که ۳۳/۳۳٪ از مجموع محوطه‌ها را شامل می‌شود و ۲ محوطه در شیب بین ۱۳° تا ۱۹° قرار دارند که در مجموع ۹/۵۳٪ از کل محوطه‌ها را شامل می‌شود. بیش‌تر محوطه‌ها در شیب بین صفر تا ۵° قرار گرفته‌اند و تعداد کمی هم در شیب بین ۱۳° تا ۱۹° واقع شده‌اند (نقشه ۵ و نقشه رنگی ۵).

نکته‌ای که در این شاخصه دیده می‌شود این است که در

قرل‌اوزن و تلوار است. قرل‌اوزن بزرگ‌ترین رود این منطقه، از شاخه‌های سفیدرود است که رودخانه تلوار هم به آن می‌ریزد (نجفی، ۱۳۶۹: ۵۲۲). سرچشمه رود قرل‌اوزن از کوه‌های چهل چشمه در مغرب کردستان است که در مسیر خود شاخه‌های متعدد و نسبتاً پرآبی را دریافت می‌کند (محمودی، ۱۳۵۲: ۲۲).

الگوی استقرار محوطه‌های کورا- ارس در شرق کردستان

با توجه به موقعیت جغرافیایی شرق کردستان که در گستره وسیع فرهنگ کورا- ارس قرار گرفته در مجموع ۲۱ محوطه مربوط به فرهنگ کورا- ارس در این منطقه شناسایی شده است که در اینجا به بازسازی و تحلیل الگوهای استقراری آن‌ها پرداخته می‌شود. برای تحلیل الگوی‌های استقراری این محوطه‌ها با استفاده از نقشه‌های خروجی از GIS، پنج شاخصه در نظر گرفته شده که شامل: ۱- میزان ارتفاع محوطه از سطح دریا ۲- مساحت محوطه‌ها ۳- دسترسی به منبع آب ۴- میزان شیب محل استقرار و ۵- جهت شیب محل استقرار است.

۱- میزان ارتفاع محوطه از سطح دریا: در این شاخصه محوطه‌ها به سه دسته تقسیم شده‌اند. دسته اول محوطه‌هایی با ارتفاع کم‌تر از ۱۷۰۰ متر از سطح دریا، دسته دوم محوطه‌هایی با ارتفاع بین ۱۷۰۰ تا ۱۹۰۰ متر از سطح دریا و دسته سوم محوطه‌هایی که بین ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ متر از سطح دریا قرار گرفته‌اند. در دسته اول فقط یک محوطه قرار گرفته که ۴/۷۶٪ از کل محوطه‌ها را شامل می‌شود. در دسته دوم ۱۲ محوطه قرار گرفته که ۵۷/۱۴٪ کل محوطه‌ها را شامل می‌شود و دسته سوم شامل ۸ محوطه است که ۳۸/۱۰٪ از مجموع محوطه‌ها را در بر می‌گیرد. با توجه به این داده‌ها بیش‌ترین محوطه‌ها در گروه دوم یعنی در ارتفاع بین ۱۷۰۰ تا ۱۹۰۰ متر قرار گرفته‌اند (نقشه ۲ و نقشه رنگی ۲).

۲- دسترسی به منبع آب: از لحاظ نزدیکی به منبع آب (براساس شرایط موجود اقلیمی و بهره‌برداری از آب)، محوطه‌ها به چهار دسته تقسیم شده‌اند. دسته اول محوطه‌هایی که کم‌تر از ۱۰۰ متر با رودخانه فاصله دارند، دسته دوم محوطه‌هایی که بین ۱۰۰ متر تا ۳۰۰ متر با رودخانه فاصله دارند، دسته سوم محوطه‌هایی که بین ۳۰۰ متر تا ۷۰۰ متر با رودخانه فاصله دارند

این حوضه را شامل می‌شود. از ویژگی قرارگیری محوطه‌ها در شیب‌های جنوبی امکان تابش آفتاب در سرمای زمستان است به خصوص اینکه این منطقه به علت قرارگیری در ارتفاع زیاد از سطح دریا آب و هوای سردتری دارد و قرارگیری در شیب جنوبی امکان استفاده بیش‌تر از گرمای آفتاب را فراهم می‌کند. همچنین در این حوضه هرچه بر میزان شیب و ارتفاع از سطح دریا افزوده می‌شود مساحت محوطه‌ها کم‌تر شده و فاصله آن‌ها از رودخانه نسبت به محوطه‌های بزرگ‌تر بیش‌تر می‌شود.

در این حوضه از لحاظ مساحت، محوطه‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول: محوطه‌های کم‌تر از یک هکتار. دسته دوم: محوطه‌های بین ۱ تا ۲ هکتار. دسته سوم: محوطه‌های بین ۳ تا ۵ هکتار. در دسته اول شش محوطه قرار گرفته که با سنجش شاخصه‌های آن‌ها متوجه می‌شویم که این محوطه‌ها دارای وضعیت متفاوتی نسبت به هم هستند ولی با وجود این هر یک سه یا چهار شاخصه مربوط به زیستگاه‌های فصلی یعنی فاکتورهایی چون شیب زیاد، ارتفاع بالا، دوری از رودخانه و مساحت کم را دارند. به همین علت این دسته احتمالاً جزو زیستگاه‌های فصلی رمه‌گردانی قرار می‌گیرند. در دسته دوم چهار محوطه قرار دارد که دو محوطه ارتفاع بالاتر از ۱۹۵۰ متر از سطح دریا و دو محوطه دیگر در ارتفاع کم‌تر از ۱۹۵۰ متر قرار گرفته‌اند ولی بدلیل اینکه مساحت آن‌ها بیش از ۱ هکتار و شیب آن‌ها کم‌تر است، امکان کشاورزی برای آن‌ها فراهم بوده است به همین علت به احتمال زیستگاه فصلی نبوده‌اند. در واقع این محوطه‌ها بصورت زیستگاه‌های کوچک دائمی هستند، ولی بدلیل قرار گرفتن در منطقه پایکوهی و ارتفاع بالا نتوانسته‌اند بیش‌تر از این گسترش یابند. در دسته سوم دو محوطه قرار گرفته که از ویژگی آن‌ها ارتفاع کم‌تر و شیب کم‌تر است و همچنین به منبع آب نزدیک هستند. استقرار در این محوطه‌ها به صورت دائمی بوده و ساکنان آن کشاورزان دیمی و آبی بودند که احتمالاً به دامداری هم می‌پرداختند.

حوضه آبگیر تلوار: در این حوضه محوطه‌ها از لحاظ جهت شیب درجه‌های مختلف قرار گرفته‌اند. به همین علت این فاکتور در این حوضه نمی‌تواند در نوع استقرار تأثیر داشته باشد. از لحاظ شیب محوطه‌های این حوضه برخلاف حوضه قزل‌اوزن

قسمت جنوب منطقه مورد مطالعه که شامل حوضه آبگیر تلوار می‌شود ۸۸٪ از محوطه‌ها در شیب صفر تا ۵° قرار گرفته‌اند. ولی در قسمت شمالی منطقه مورد مطالعه یعنی در حوضه آبگیر قزل‌اوزن سطح شیب نسبت به حوضه تلوار بیش‌تر بوده به طوریکه ۶۷٪ از محوطه‌ها در شیب بالای ۵° قرار گرفته‌اند. از این لحاظ تفاوت بین دو حوضه دیده می‌شود.

۵- جهت شیب محوطه‌های مورد مطالعه: از لحاظ جهت شیب، محوطه‌ها در همه جهت‌های شمال، شمال شرق، شرق، جنوب، جنوب شرق، جنوب غرب و غرب دیده می‌شوند. در یک دسته‌بندی کلی در مجموع از ۲۱ محوطه، ۱۱ محوطه در شیب جنوبی، جنوب شرقی و جنوب غربی قرار دارند که حدود ۳۸/۵۲٪ از کل محوطه‌ها در این شیب‌ها قرار گرفته‌اند. هفت محوطه در شیب‌های شمالی، شمال غربی و شمال شرقی قرار گرفته‌اند که حدود ۳۳/۳۳٪ از کل محوطه‌ها را شامل می‌شود. دو محوطه در شیب شرقی واقع شده‌اند که حدود ۹/۵۲٪ از مجموع محوطه‌ها را در برمی‌گیرد و یک محوطه نیز در جهت غرب قرار دارد که حدود ۴/۷۶٪ کل محوطه‌ها را شامل می‌شود (نقشه ۶ و نقشه رنگی ۶). در این شاخصه هم مانند شاخصه میزان شیب، بین دو حوضه قزل‌اوزن و تلوار تفاوت دیده می‌شود به طوریکه در حوضه قزل‌اوزن بیش‌تر محوطه‌ها در جهت جنوب، جنوب غرب و جنوب شرق قرار گرفته‌اند. در حالیکه در حوضه تلوار محوطه‌ها در همه جهت‌ها دیده می‌شود.

تحلیل الگوی استقرار

با مطالعه داده‌های بدست آمده از بررسی‌های غیرپیمایشی کنونی به این نتیجه می‌رسیم اگرچه تعداد محوطه‌های کورا-ارس در شرق کردستان نسبت به شمال غرب و زاگرس مرکزی که بین این دو منطقه قرار گرفته اندک است ولی بدلیل تفاوت در فاکتورهایی چون میزان شیب و جهت شیب نمی‌توان این داده‌ها را در یک مجموعه در نظر گرفت. بنابراین شاخصه‌های هر یک از دو حوضه آبگیر قزل‌اوزن و تلوار به صورت جداگانه تحلیل می‌شود.

حوضه آبگیر قزل‌اوزن: در حوضه آبگیر قزل‌اوزن بیش‌تر محوطه‌ها از لحاظ جهت شیب به طرف جنوب، جنوب شرق و جنوب غرب قرار گرفته‌اند که در مجموع ۷۵٪ از محوطه‌های

در شیب کم‌تری قرار دارند شیب آن‌ها از صفر تا ۱۳ درجه است. در مجموع حدود ۸۹٪ از محوطه‌ها در شیب صفر تا ۵° و مابقی در شیب ۵° تا ۱۳° واقع شده‌اند. در این حوضه هم فاکتورهای میزان ارتفاع، میزان شیب و دوری و نزدیکی به رودخانه دائمی و مساحت محوطه‌ها با هم سنجیده شده‌اند. به نظر می‌رسد که در این حوضه نیز مانند حوضه قزل‌اوزن عامل میزان شیب و ارتفاع از سطح دریا با مساحت محوطه‌ها در ارتباط است بطوریکه که هرچه بر میزان شیب و ارتفاع از سطح دریا افزوده می‌شود مساحت محوطه‌ها کم‌تر شده و فاصله آن‌ها از رودخانه نسبت به محوطه‌های بزرگ‌تر بیش‌تر می‌شود.

الگوی‌های استقراری حوضه تلوار بدلیل قرارگرفتن محوطه‌های این حوضه در دشت و پایکوه به گونه‌های مختلف دیده می‌شود. محوطه‌های این حوضه هم مانند حوضه قزل‌اوزن از لحاظ مساحت به سه دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول محوطه‌های کم‌تر از ۱ هکتار. دسته دوم محوطه‌های بین ۱ تا ۲ هکتار و دسته سوم محوطه‌های بین ۳ تا ۵ هکتار، دسته اول شامل پنج محوطه است که سه محوطه آن بدلیل واقع شدن در بافت روستایی دچار تخریب شده‌اند. یکی از محوطه‌ها در ارتفاع کم‌تر از ۱۸۰۰ متر و در دشت قرارگرفته و به همین علت این محوطه احتمالاً زیستگاه دائمی بوده و امکان کشاورزی در این محوطه وجود داشته، بخصوص اینکه فاصله آن از رودخانه کم است. ولی دو محوطه دیگر چون در ارتفاع حدود ۱۹۰۰ متر از سطح دریا قرار گرفته‌اند و فاصله آن‌ها از رودخانه بیش‌تر از ۱۰۰ متر است بنابراین زیستگاه‌های فصلی رمه‌گردانی بوده‌اند. با وجود این بدلیل عدم اطمینان از مساحت دقیق این محوطه‌ها نمی‌توان با یقین این الگو را برای این محوطه‌ها در نظر گرفت. محوطه چهارم در دسته اول بدلیل قرار داشتن در ارتفاع نزدیک به ۲۰۰۰ متر از سطح دریا و قرارگیری در شیب بین ۵° تا ۱۳° یک زیستگاه فصلی است. محوطه پنجم در دسته اول نیز با وجود آنکه در ارتفاع ۱۸۳۵ متری قرار دارد ولی بدلیل مساحت کم و شیب زیاد، زیستگاه فصلی بوده است. مترجم الگویی را در خصوص نسبت مساحت و فاصله بین استقرارهای حاشیه‌ای با محوطه اصلی پیشنهاد می‌کند که در آن هرچه فاصله بیش‌تر باشد مساحت آن‌ها بزرگ‌تر است و هرچه مسافت کم‌تر باشد

محوطه کوچک‌تر است (مترجم، ۱۳۸۷: ۳۳۰). به عبارت دیگر هرچه مسافت محل استقرار فصلی از زیستگاه اصلی دورتر باشد به معنی لازم بودن سطوح بیش‌تر از امکانات مورد نیاز است مانند انباری، ادوات مربوط به فن‌آوری امور معیشتی روزانه مانند خمره، آسیاب دستی و حتی در مسافت‌های دورتر کوره و ادوات ساخت سفال و دیگر ابزارهای مورد نیاز که طبیعتاً بر مساحت مورد نیاز زیستگاه می‌افزاید (مترجم، ۱۳۸۷: ۳۳۱).

محوطه‌های دسته نخست می‌توانند شبیه الگوی پیشنهادی مترجم باشند. در دسته دوم سه محوطه قرار دارد که در ارتفاع پایین‌تر و شیب کم‌تر واقع شده‌اند. الگوی استقراری در این دو محوطه بصورت زیستگاه‌های کوچک دائمی است. محوطه‌هایی با این ویژگی شرایط مساعدی برای کشاورزی دارند. یکی از محوطه‌های این دسته مساحتی بیش از یک هکتار داشته و شیب آن کم‌تر از ۵ درجه است. این محوطه برای کشاورزی مساعد است و بدلیل قرارگرفتن در پایکوه و داشتن ارتفاع بیش از ۱۹۰۰ متر و فاصله ۱۶۰ متری از رودخانه برای دامداری هم مناسب است. الگوی استقراری این محوطه می‌تواند مانند محوطه‌های بیش از سه هکتار باشد. در دسته سوم یک محوطه قرار دارد. این محوطه با مساحتی بیش از سه هکتار بزرگ‌ترین محوطه این حوضه است. این محوطه به دلیل قرار گرفتن در ارتفاع پایین و شیب کم‌تر از ۵ درجه و نزدیکی به رود شرایط مساعدی برای کشاورزی و دامداری را دارد و احتمالاً یک زیستگاه دائمی است. مترجم به نوعی کوچ دامداری و روستائینی به مسافت کوتاه از روستا به کوهپایه و کوهستان در فصول بهار و تابستان که خاص مناطق مرتفع زاگرس دور از چراگاه‌های قشلاقی بود اشاره می‌کند (مترجم، ۱۳۸۷).

قرارگیری محوطه‌های کوچک‌تر در اطراف این محوطه می‌تواند احتمال وجود این نوع الگوی زیستی را در این منطقه ثابت کند.

مسئله‌ای که در اینجا بر اساس نتایج بدست آمده از مطالعه فرهنگ کورا- ارس در شرق کردستان مطرح می‌شود این است که در این دوره، این منطقه کم‌تر مورد توجه قرار گرفته بطوریکه از لحاظ پراکندگی، تعداد محوطه‌های کورا- ارس در آن نسبت به شمال غرب ایران و زاگرس مرکزی اندک است به

در شیب کم‌تری قرار دارند شیب آن‌ها از صفر تا ۱۳ درجه است. در مجموع حدود ۸۹٪ از محوطه‌ها در شیب صفر تا ۵° و مابقی در شیب ۵° تا ۱۳° واقع شده‌اند. در این حوضه هم فاکتورهای میزان ارتفاع، میزان شیب و دوری و نزدیکی به رودخانه دائمی و مساحت محوطه‌ها با هم سنجیده شده‌اند. به نظر می‌رسد که در این حوضه نیز مانند حوضه قزل‌اوزن عامل میزان شیب و ارتفاع از سطح دریا با مساحت محوطه‌ها در ارتباط است بطوریکه که هرچه بر میزان شیب و ارتفاع از سطح دریا افزوده می‌شود مساحت محوطه‌ها کم‌تر شده و فاصله آن‌ها از رودخانه نسبت به محوطه‌های بزرگ‌تر بیش‌تر می‌شود.

الگوی‌های استقراری حوضه تلوار بدلیل قرارگرفتن محوطه‌های این حوضه در دشت و پایکوه به گونه‌های مختلف دیده می‌شود. محوطه‌های این حوضه هم مانند حوضه قزل‌اوزن از لحاظ مساحت به سه دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول محوطه‌های کم‌تر از ۱ هکتار. دسته دوم محوطه‌های بین ۱ تا ۲ هکتار و دسته سوم محوطه‌های بین ۳ تا ۵ هکتار، دسته اول شامل پنج محوطه است که سه محوطه آن بدلیل واقع شدن در بافت روستایی دچار تخریب شده‌اند. یکی از محوطه‌ها در ارتفاع کم‌تر از ۱۸۰۰ متر و در دشت قرارگرفته و به همین علت این محوطه احتمالاً زیستگاه دائمی بوده و امکان کشاورزی در این محوطه وجود داشته، بخصوص اینکه فاصله آن از رودخانه کم است. ولی دو محوطه دیگر چون در ارتفاع حدود ۱۹۰۰ متر از سطح دریا قرار گرفته‌اند و فاصله آن‌ها از رودخانه بیش‌تر از ۱۰۰ متر است بنابراین زیستگاه‌های فصلی رمه‌گردانی بوده‌اند. با وجود این بدلیل عدم اطمینان از مساحت دقیق این محوطه‌ها نمی‌توان با یقین این الگو را برای این محوطه‌ها در نظر گرفت. محوطه چهارم در دسته اول بدلیل قرار داشتن در ارتفاع نزدیک به ۲۰۰۰ متر از سطح دریا و قرارگیری در شیب بین ۵° تا ۱۳° یک زیستگاه فصلی است. محوطه پنجم در دسته اول نیز با وجود آنکه در ارتفاع ۱۸۳۵ متری قرار دارد ولی بدلیل مساحت کم و شیب زیاد، زیستگاه فصلی بوده است. مترجم الگویی را در خصوص نسبت مساحت و فاصله بین استقرارهای حاشیه‌ای با محوطه اصلی پیشنهاد می‌کند که در آن هرچه فاصله بیش‌تر باشد مساحت آن‌ها بزرگ‌تر است و هرچه مسافت کم‌تر باشد

را بین ۶۵۰۰ و ۵۵۰۰ پ.م. می‌داند. به اعتقاد او وابستگی به گله‌داری و افزایش تحرک برای دست‌یابی به مراتع، منجر به تغییر زندگی از یکجانشینی به کوچروی می‌شود (Abdi, 1997: 396-2003). علاوه بر این بدلیل وجود خاک و باران مناسب این منطقه برای کشاورزی هم شرایط مساعدی دارد. در مجموع با توجه به این ویژگی‌های زیست محیطی، الگوهای استقرار مختلفی در این منطقه دیده می‌شود. در محوطه‌های ۴ و ۵ هکتاری، استقرارها بصورت زیستگاه‌های دائمی با اقتصاد معیشتی ترکیبی کشاورزی و دامداری بوده است. نوع دیگر الگوی استقراری در محوطه‌های بین ۱ تا ۲ هکتار دیده می‌شود. در این گروه محوطه‌های متفاوتی دیده می‌شود. دسته‌ای در ارتفاعات بالا و شیب بیشتر قرار گرفته‌اند و دسته دیگر در ارتفاعات پایین‌تر و شیب کم‌تر قرار دارند. در کل محوطه‌های این گروه زیستگاه‌های کوچک دائمی هستند. این محوطه‌ها با وجود اینکه برخی شرایط را برای کشاورزی داشته‌اند ولی بدلیل قرار گرفتن در پایکوه و بعلاوه اینکه مرتفع‌تر از نوع اول هستند به همین علت نتوانسته‌اند بیش‌تر از این گسترش یابند. نوع دیگر الگوی استقراری در محوطه‌های کم‌تر از ۱ هکتار دیده می‌شود. این محوطه‌ها بدلیل قرار گرفتن در ارتفاعات و شیب زیاد زیستگاه‌های فصلی بودند که به رمه‌گردانی می‌پرداختند. در این دسته هم دو نوع الگوی استقراری دیده می‌شود: نوع اول محوطه‌هایی هستند که در فاصله دورتری از زیستگاه‌های دائمی قرار گرفته‌اند. این محوطه‌ها احتمالاً زیستگاه‌های فصلی قشلاقی بوده و برای اینکه نیازهایشان را در بلندمدت برطرف کنند معمولاً بزرگ‌تر هستند. نوع دیگر این محوطه‌ها بدلیل اینکه نزدیک زیستگاه‌های دائمی قرار گرفته‌اند مساحت کم‌تری دارند. در مجموع بیش از نیمی از محوطه‌ها یعنی ۵۲/۳۸٪ محوطه‌های فرهنگ کورا-ارس شرق کردستان از نوع استقرار فصلی رمه‌گردان هستند.

سپاسگزاری

نگارندگان از کارکنان اداره میراث فرهنگی استان کردستان و به خصوص جناب آقای محمدابراهیم الیاسوند بخاطر در اختیار گذاشتن داده‌هایشان نهایت تشکر و قدردانی را دارند.

خصوص این مسأله در مورد شمال غرب منطقه مورد مطالعه بیش‌تر به چشم می‌خورد. در این خصوص مترجم معتقد است که اقوام کورا-ارس از این منطقه گذشته و در شرق زاگرس مرکزی که محل ثقل آن‌ها را در نزدیکی کنگاور می‌بینم (مترجم، ۱۳۹۰) ساکن شده‌اند. اما باید دید دلیل پراکندگی اندک محوطه‌های کورا-ارس در شرق کردستان چه بوده است. در اینجا دو فرضیه برای این مسأله مطرح می‌شود. اول اینکه ممکن است شرایط زیست محیطی و جغرافیایی در این امر دخیل بوده باشد. به طوریکه احتمالاً شرایط زیست محیطی این منطقه برای جذب جمعیت فراتر از توان محیط مناسب نبوده است. باتیوک و راثمن اشاره می‌کنند که محوطه‌های کورا-ارس در استان موش در مناطق کشاورزی شکل نگرفته‌اند بلکه این منطقه دارای چراگاه‌های مناسب بوده است. او همچنین دره کنگاور را از لحاظ زیست محیطی مشابه استان موش می‌داند (Batiuk & Rothman, 2007: 8 & 14). فرضیه دوم وجود جمعیت محلی هم‌زمان با این فرهنگ در منطقه است.

برای رسیدن به پاسخ باید فرهنگ‌های محلی هم‌زمان و قبل از این دوره را بطور دقیق‌تر مطالعه کرد. کریم‌علیزاده هم به شناخت فرهنگ‌های محلی قبل از آمدن مهاجران اشاره می‌کند (علیزاده، ۱۳۹۱: ۹۲). بر اساس مطالعات ساعد موچشی در دوره مس‌سنگی شاهد پراکندگی محوطه‌های زیادی در این دوره در شرق کردستان هستیم (ساعد موچشی، ۱۳۹۰). ولی درباره فرهنگ‌های محلی هم‌زمان با فرهنگ کورا-ارس مطالعه‌ای انجام نشده است. در نتیجه برای اثبات این فرضیه نیاز به مطالعات بیش‌تری است.

جمع‌بندی

با تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده به این نتیجه می‌رسیم که محوطه‌ها در قسمت‌های مختلفی از جمله در دشت، ارتفاعات و کوهپایه‌ها قرار گرفته‌اند. از این میان محوطه‌هایی که در ارتفاعات و کوهپایه‌ها واقع شده‌اند شرایط مساعدی برای رمه‌گردانی دارند. وجود کوچ‌نشینی و استفاده از پناهگاه‌ها در زاگرس از دوره نوسنگی مطرح بوده است (Mortensen, 1963). عبدی نیز ظهور چوپانان چادرنشین در کوه‌های زاگرس

منابع

الف) فارسی

- تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رجیون، زهرا، ۱۳۹۳، مطالعه الگوی استقراری فرهنگ یانیق در شرق کردستان، پایان نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- رضالو، رضا و نسرين زبانبند، ۱۳۹۴، «فرهنگ یانیق یا کورا-ارس، تاکید بر عنوان کورا-ارس براساس مطالعات آماری»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۸، دوره ۵، صص ۲۰-۷.
- زارعی، محمدابراهیم و سیدمحمد سیدزیدی، ۱۳۸۹، بررسی و شناسایی شهرستان خدابنده (قیدار)، فصل دوم ۱۹-۱۳۸۱، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان (منتشر نشده).
- ساعد موحشی، امیر، ۱۳۹۰، بررسی الگوهای استقراری محوطه‌های دوران مس و سنگ شرق کردستان (حوزه آبگیر رودخانه قزل‌اوزن)، پایان‌نامه دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- _____، کمال‌الدین نیکناملی، زاهد کریمی، اقبال عزیزی و علی بهنیا، ۱۳۹۰ الف، الگوی استقراری محوطه‌های مس سنگی میانه حاشیه رودخانه‌های تلوار (شهرستان‌های دهگلان و قروه)، پیام باستان‌شناسی، مجله علم-پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال هشتم، شماره شانزدهم، صص ۳۴-۱۷.
- _____، کمال‌الدین نیکناملی، مرجان مشکور، حسن فاضلی نشلی و بهمن فیروزمندی شیرجینی، ۱۳۹۰، «گاهنگاری نسبی و مطلق تپه کلنان بیجار: محوطه‌های متعلق به دوره مس و سنگ میانه در غرب ایران»، نامه باستان‌شناسی، شماره ۱، دوره اول، صص ۵۶-۳۱.
- _____، ۱۳۹۲، «حوزه آب‌گیر رودخانه قزل‌اوزن در دوره مس و سنگ: براساس بررسی‌های باستان‌شناختی شهرستان بیجار»، نامه باستان‌شناسی، شماره ۵، دوره سوم، صص ۵۰-۲۵.
- الیاسوند، محمدابراهیم، ۱۳۸۵، بررسی باستان‌شناختی بخش سیلتان و خورخوره شهرستان بیجار در سال ۱۳۸۵، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
- الیاسوند، محمدابراهیم، ۱۳۸۶، بررسی باستان‌شناختی بخش طغامین و سیاه منصور شهرستان بیجار در سال ۱۳۸۶، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
- _____، ۱۳۸۷، بررسی باستان‌شناختی بخش کرانی و گرگین شهرستان بیجار در سال ۱۳۸۷، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
- باباپیری، جواد، ۱۳۸۴، گزارش لایه‌نگاری و تعیین حریم تپه پری ملایر، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).
- برنی، چارلز و دیوید مارشال لانگ، ۱۳۸۶، تاریخ اقوام کوه‌نشین شمال غربی ایران، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: انتشارات نگاه.
- بهنیا، علی، ۱۳۸۷، بررسی باستان‌شناختی شهرستان قروه (بخش سریش‌آباد)، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
- خاکسار، علی، ۱۳۸۵، گزارش گمانه‌زنی به منظور تعیین حریم تپه باستانی گوراب (ملایر)، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).
- خان‌محمدی، بهروز و ابراهیم خرازی، ۱۳۹۲، «بررسی الگوهای استقراری غرب ارومیه»، فصل‌نامه پژوهش‌های زاگرس، سال اول، شماره اول، صص ۴۳-۳۴.
- دوشوفور، فیلیپ، ۱۳۵۷، کلیات خاک‌شناسی (رده‌بندی و کاربرد خاک)، ترجمه منوچهر زرین‌کفش، حسینقلی رفاهی و علی نگارستان،

اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).

مترجم، عباس، ۱۳۸۷، بررسی و تحلیل الگوی استقراری عصر مفرغ قدیم در دشتهای پیرامون کوهستان الوند-همدان، پایان‌نامه دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران.

«عصر مفرغ قدیم در شرق زاگرس مرکزی- ایران»، مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۳، شماره ۲، شماره پیاپی ۴، صص ۳۳-۵۲.

محمودی، فرج‌الله، ۱۳۵۲، «جغرافیای ناحیه‌ای قروه-بیجار-دیواندره»، گزارش‌های جغرافیایی، شماره ۹، مؤسسه جغرافیایی دانشگاه تهران، آذرماه ۱۳۵۲ (منتشر نشده).

نجفی، سیدیدالله، ۱۳۶۹، جغرافیای عمومی استان کردستان، تهران: انتشارات امیرکبیر.

نقشینه، امیرصادق، ۱۳۹۰ الف، گزارش مقدماتی فصل اول کاوش در قلعه تپه ابهر، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان (منتشر نشده).

«گزارش مقدماتی فصل اول کاوش در تپه علی یورد، صائین قلعه-استان زنجان»، پیام باستان‌شناس، مجله علم-پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال هشتم شماره پانزدهم، صص ۹۱-۱۱۰.

ولی‌پور، حمیدرضا، ۱۳۸۵، گزارش مقدماتی کاوش لایه‌نگارانه تپه شیر، مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

(ب) غیرفارسی

الجنابی، کاظم، ۱۹۶۱، «حفريات تل شاملو فی سهل شهر زور»، سومر، الجلد ۱۷، صص ۱۹۳-۱۷۴.

Abdi, K., 2003, "The Early Development of Pastoralism in the Central Zagros Mountains", *Journal of World Prehistory*, Vol. 17, No. 4, pp. 395-448.

سعیدی هرسینی، محمدرضا، احمد چایچی و حسن طلائی، ۱۳۸۷، «گزارش مقدماتی بررسی استقرارهای عصر مفرغ دشت نهاوند (سرچشمه گاماسیاب)»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۲-۱۸۰، دوره ۵۷، صص ۶۵-۴۷.

طلائی، حسن، ۱۳۸۷، عصر مفرغ ایران، تهران: انتشارات سمت.

عالی، ابوالفضل، ۱۳۸۵، «گزارش توصیفی بررسی و شناسایی باستان‌شناختی حوضه آبریز ابهرود»، پیام باستان‌شناس، سال سوم، شماره ششم، صص ۱۷-۴۲.

عزیزی، اقبال، ۱۳۷۸، گزارش بررسی و شناسایی آثار باستانی بخش چهاردولی شرقی و غربی قروه کردستان، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).

«گزارش بررسی باستان‌شناختی جنوب شهرستان بیجار، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).

علائی طالقانی، محمود، ۱۳۸۳، ژئومورفولوژی ایران، تهران: نشر قومس.

علیزاده، کریم، ۱۳۹۱، «بازخوانی نظریه مهاجرت در باستان‌شناسی و گسترش فرهنگ کورا-ارس در خاور نزدیک باستان»، باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۲۵، شماره دوم، شماره پیاپی ۵۰، صص ۶۵-۴۸.

عمرانی، بهروز، ۱۳۸۴، «عصر مفرغ قدیم در شمال غرب ایران»، در: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: حوزه شمال‌غرب، به کوشش مسعود آذرنوش، تهران: سازمان میراث فرهنگی (پژوهشگاه)، پژوهشکده باستان‌شناسی.

فاضلی نشلی، حسن، ۱۳۸۵، باستان‌شناسی دشت قزوین از هزاره ششم تا هزاره دوم ق.م، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کریمی، زاهد، ۱۳۸۶، گزارش بررسی باستان‌شناختی دهستان بیلان جنوبی بخش دهگلان شهرستان قروه (دهگلان) در سال ۱۳۸۶، مرکز

- Abedi, A., Khatib Shahidi, H., Chataigner, C., Niknami, K., Eskandari, N., Kazempour, M., Pirmohammadi, A., Hosseinzadeh, J., & Ebrahimi, G., 2014, "Excavation at Kul Tepe (Hadishahr), North-Western Iran, 2010: First Preliminary Report", *ANES*, Vol. 51, pp. 33-165.
- Amiran, R., 1965, "Yanik Tepe, Shengavit, and the Khirbet Kerak Ware", *Anatolian Studies*, Vol. 15, pp. 165-167.
- Baiburtyan, E., 1938, "Kul'tovyy Ochag iz Raskopok Shengavitskogo Poselenija v 1936-1937 gg", *Vestnik Drenej Istorii*, Vol. 4, pp. 255-259.
- Batiuk, S., & Rothman, M., 2007, "Early Transcaucasian Cultures and their Neighbors: Unraveling Migration, Trade and Assimilation", *Expedition*, Vol. 49, No. 1, pp. 7-17.
- Braidwood, R., & Braidwood, L., 1960, *Excavations in the Plain of Antioch, Volume 1: The Earliest Assemblages, Phases A-J*, Oriental Institute Publications 61, Chicago: The University of Chicago Press.
- Burney, C.A., 1958, "Eastern Anatolia in the Chalcolithic and Early Bronze Age", *Anatolian Studies*, Vol. 8, pp.156-209.
- , 1961a, "Excavation at Yanik tepe north-west Iran", *IRAQ*, Vol. 23, pp. 137-155.
- , 1961b, "Circular buildings found at Yanik Tepe, in North-west Iran", *Antiquity*, Vol. 35, pp. 237-40.
- , 1962, "Excavation at Yanik tepe Azarbaijan 1961", *IRAQ*, Vol. 24, pp. 133-153.
- , 1964, "Excavations at Yanik Tepe, Azerbaijan, 1962: Second Preliminary Report", *IRAQ*, Vol. 26, pp. 53-62.
- , 1970, "Excavation at Haftavan Tepe, 1968, First Preliminary Report", *IRAN*, Vol. VIII, pp.157-71.
- , 1972, "Excavation at Haftvan Tepe, 1969, Second Preliminary Report", *IRAN*, Vol. X, pp. 127-42.
- Burney, C.A., 1973, "Excavation at Haftvan Tepe, 1971, Third Preliminary Report", *IRAN*, Vol. XI, pp. 11:153-72.
- , 1974, "Report on the 1973 Season of Excavation at Haftvan Tepeh", *Proceedings of the 1st Annual Symposium on Archaeological Reserch in Iran, 1973*, Bagherzadeh, F., (Ed.), pp. 102-11, Tehran: Iraniancener for Archaeological Research.
- , 1975, "Excavation at Haftvan Tepe, 1973, Fourth Preliminary Report", *IRAN*, Vol. XIII, pp. 149-64.
- , 1976, "Haftvan Tappeh", *IRAN*, Vol. XIV, pp. 157-58.
- , & Lang, D.M., 1971, *The Peoples of the Hills*, London: Weidenfeld and Nicholson.
- Henrickson, R., 1986, "A Regional Perspective on Godin III Cultural Development in Central Western Iran", *IRAN*, Vol. XXIV, pp. 1-55.
- Howell, R., 1979, "Survey of the Malayer Plain", *IRAN*, Vol. XVII, pp. 156-57.
- Kelly-Buccellati, M., 1980, "The Outer Fertile Crescent Culture, North Eastern Connections of Syria and Palestine in the Third Millennium B.C.", *Ugarit-Forschungen*, Vol. 11, pp. 413-430.
- Kohl, P.L., 2009, "Origins Homelands and Migrations: Situating the Kura-Araxes Early Transcasian Culture within the History of Bronze Age Eurasia", *Tel Aviv*, Vol. 36, No. 2, pp. 241-265.
- Kroll, S., 2004, "Prehistoric Settlement Patterns in the Maku and Khoy Regions of Iranian Western Azarbaijan", *Proceedings of the International Symposium on Iranian Archaeology: Northwestern Region*, Azarnoush, M., (Ed.), pp. 45-53, Iranian Center for Archaeological Research.
- Kuftin, B., 1940, "K Voprosu O Rannykh Stadiyakh Bronzovoy Kultury na Territorii Kavkaza", *Kratkiye Soobshcheniya O Dokladakh i Polevykh Issledovaniyakh Instituta Istorii*, Vol.8, pp.5-35.

Mason, R., & Copper, L., 1999, "Grog Petrography and Early Trans-Caucasian at Godin Tepe", *IRAN*, Vol. XXXVII, pp. 25-31.

Mohammadifar, Y., Motarjem, A., & Torabzadeh, H., 2009, "Tepe Pissa: new Investigations at a Kura-Araxes Site in Central Western Iran", *Antiquity*, Vol. 83, Issue 320.

Mortensen, P., 1963, "Early Village Occupation: Excavation at Tepe Guran, Luristsn", *Acta Archaeologica*, Vpl. 34, pp. 110-21.

Muscaralla, O.W., 2006, "The Excavation of Hasanlu: An Archaeological Evaluation", *Bulletin of the American Schools of Oriental Research*, No. 342, pp. 69-64.

Swiny, S., 1975, "Survey in Northwest Iran, 1971", *East and West*, Vol. 25, Nos. 1-2, pp. 77-96.

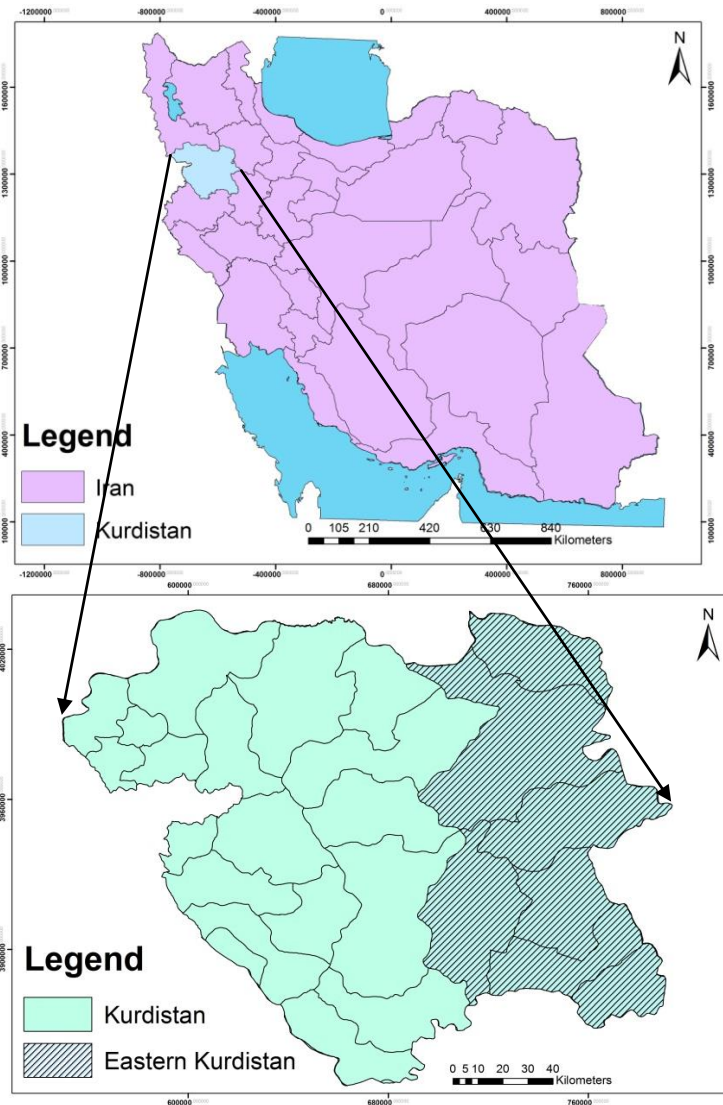
Young, T.C. Jr., 1975, "Kangavar Vally Survey", *IRAN*, Vol. XIII, pp. 191-193.

————— & Levin, L.D., 1974, *Excavations of the Godin Project: Second Progress Report*, Occasional Paper 26, Art and Archaeology, Royal Ontario Museum (ROM).

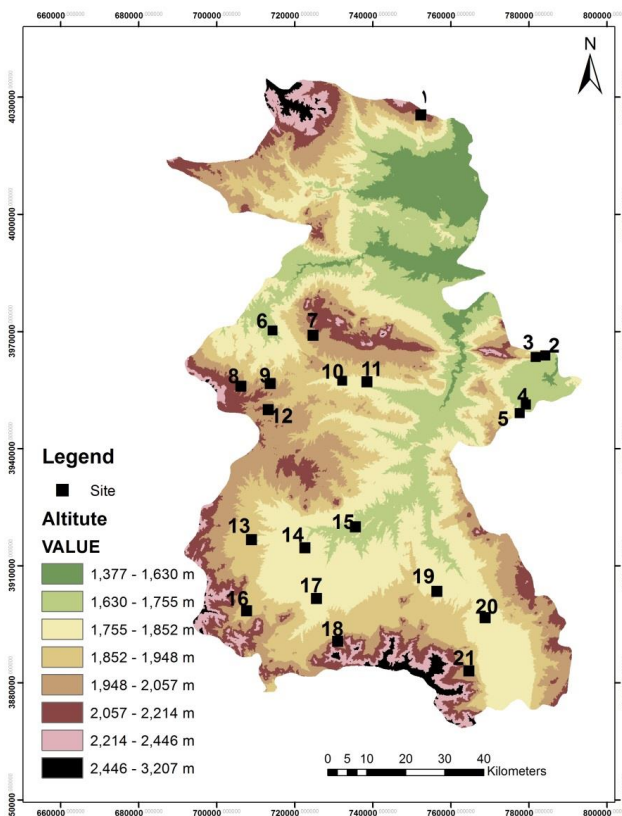
Talai, H., 1984, "Notes on new Pottery Evidence from the Eastern Urmia Basin: Gol Tepe", *IRAN*, Vol. XXII, pp. 151-56.

Young, T.C. Jr., 1966, "Survey in Western Iran 1961", *Journal of Near Eastern Studies*, Vol. 25, pp. 228-239.

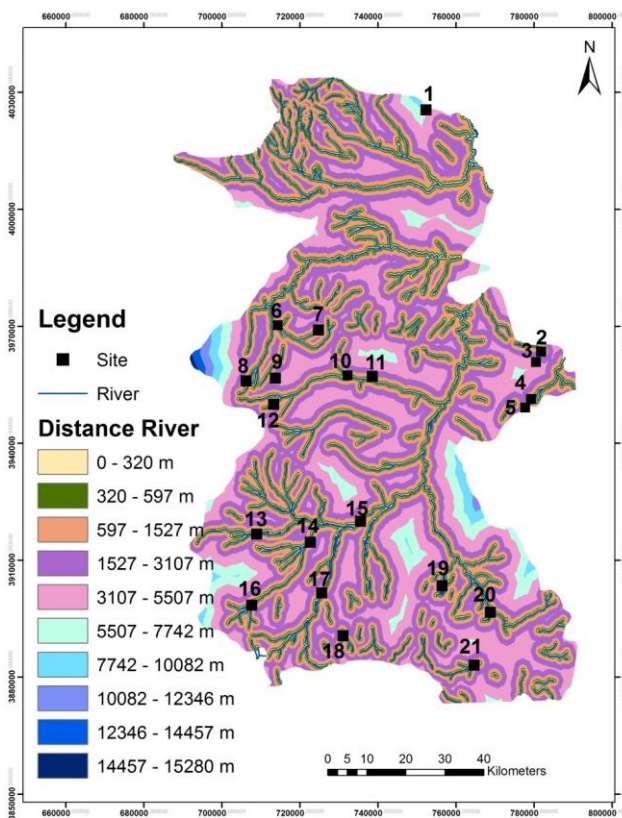
نقشه‌ها و تصاویر



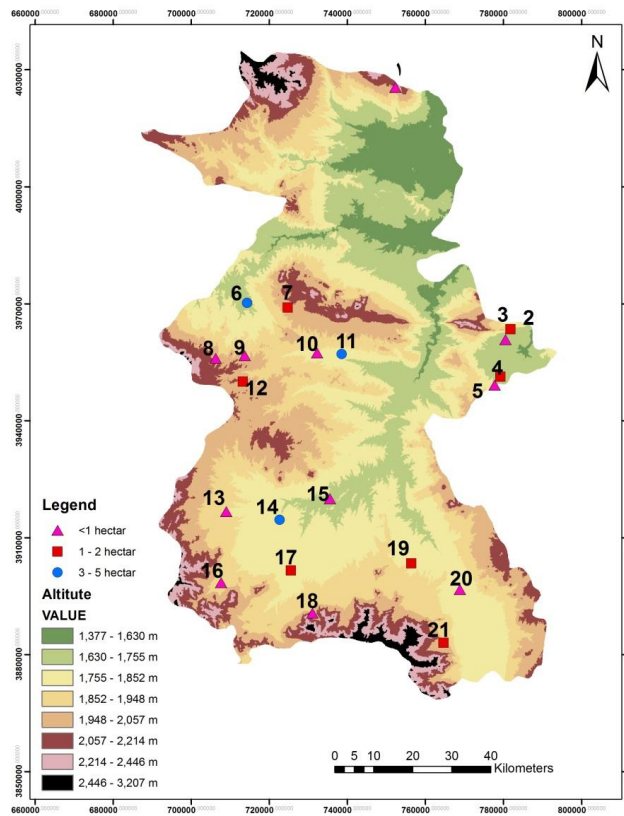
نقشه ۱: نقشه ایران، استان کردستان و موقعیت منطقه مورد مطالعه در استان کردستان



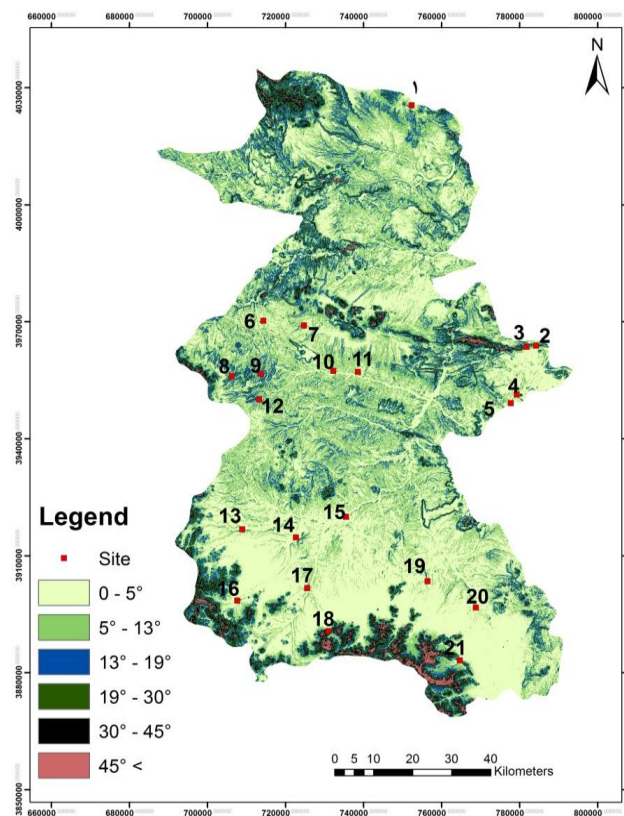
نقشه ۲: میزان ارتفاع محوطه‌ها از سطح دریا



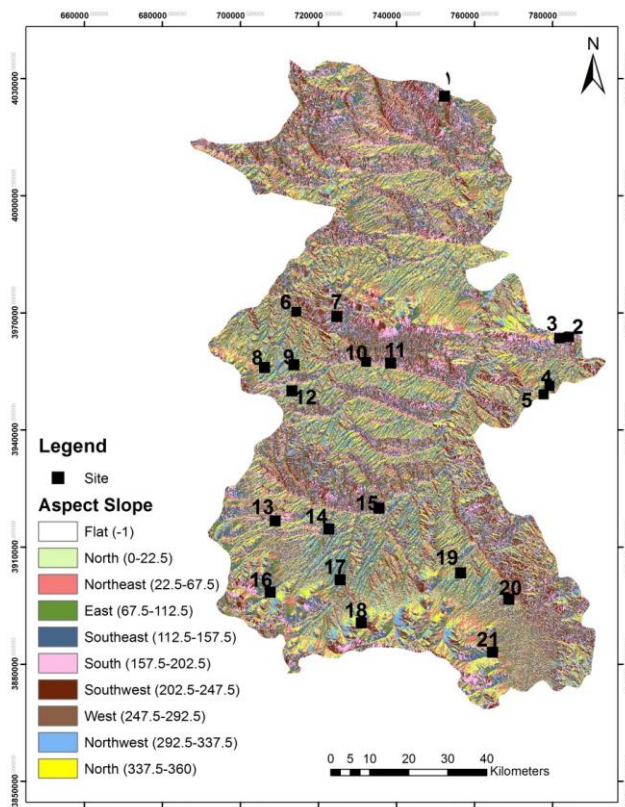
نقشه ۳: میزان فاصله محوطه‌ها از منبع آب



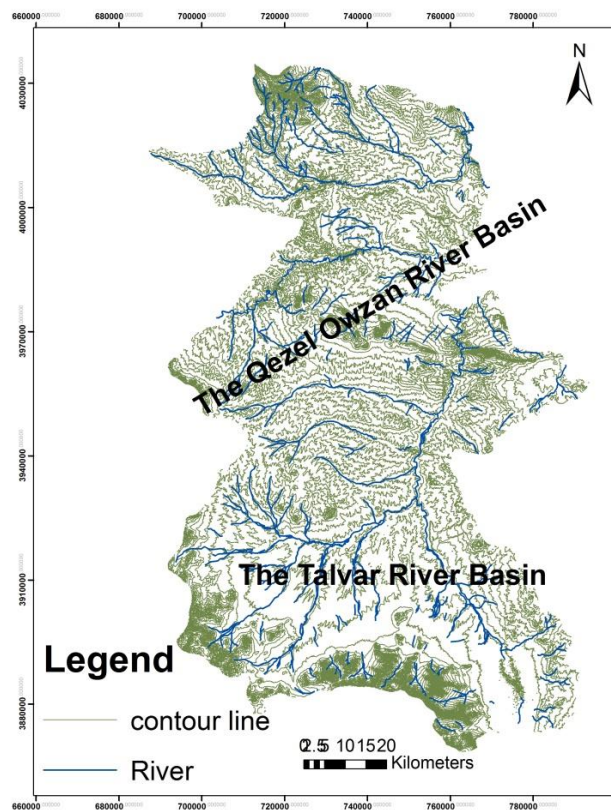
نقشه ۴: مساحت محوطه‌های مورد مطالعه



نقشه ۵: میزان شیب محوطه‌های مورد مطالعه



نقشه ۶: جهت شیب محوطه‌های مورد مطالعه



نقشه ۷: محدوده حوزه قزل‌اوزن و تلوار

جدول ۱: مشخصات محوطه‌های کورا-ارس شرق کردستان

محوطه	ارتفاع از سطح دریا	ابعاد	فاصله تا رود	میزان شیب	جهت شیب	طول و عرض جغرافیایی
تپه میلر آزادویس ۲	۲۰۰۰	۶۰ × ۸۵	۵۳۰۰ متر	۰-۵°	جنوب غرب	طول شرقی "۴۰.۵۶' ۴۸' ۴۷° عرض شمالی "۲۹.۳۴' ۲۰' ۳۶°
چال تپه پیرتاج	۱۶۷۷	۸۰ × ۴۰	۱۸۰۰ متر	۱۳°-۱۹°	جنوب	طول شرقی "۰۶.۵۱' ۰۶' ۴۸° عرض شمالی "۰۳.۶۰' ۴۵' ۳۵°
تپه کهنه قلعه پیرتاج	۱۷۳۴	۱۳۷ × ۱۱۵	۳۶۶ متر	۵°-۱۳°	جنوب شرق	طول شرقی "۳.۹۱' ۱۷' ۴۸° عرض شمالی "۸۹.۲۸' ۴۶' ۳۵°
تپه‌های کهنه خرابه روستای قرانقره	۱۷۰۶	۱۳۴ × ۱۰۳	۱۴ متر	۰-۵°	جنوب شرق	طول شرقی "۰۴.۹۱' ۵۴' ۴۸° عرض شمالی "۱۴.۵۸' ۳۹' ۳۵°
تپه تیکانلو روستای قرانقره	۱۷۴۴	۴۰ × ۳۵	۱۹۶۹ متر	۰-۵°	شمال	طول شرقی "۰۴.۸۳' ۴۱' ۴۸° عرض شمالی "۸۹.۴۷' ۳۸' ۳۵°
چم‌دارگان سعدآباد	۱۹۸۳	۲۲۰ × ۸۵	۲ متر	۵°-۱۳°	جنوب	طول شرقی "۰۵.۱۷' ۲۹' ۴۷° عرض شمالی "۲۲.۴۶' ۵۰' ۳۵°
تپه درکین روستای گلبلاغ	۱۸۲۴	۷۲ × ۵۳	۶۵۷ متر	۵°-۱۳°	جنوب	طول شرقی "۰۴.۶۳' ۳۴' ۴۷° عرض شمالی "۵۸.۴۳' ۴۲' ۳۵°
تپه دیونه قبا سرخ	۱۷۳۵	۲۲۰ × ۱۴۰	۳۷ متر	۰-۵°	شمال غرب	طول شرقی "۰۲.۲۴' ۲۲' ۴۷° عرض شمالی "۵۱' ۹.۶۳' ۳۵°
تپه درکین سیرلان	۱۸۰۰	۲۳۵ × ۲۱۲	۷۴ متر	۵°-۱۳°	جنوب غرب	طول شرقی "۰۳.۸۸' ۳۸' ۴۷° عرض شمالی "۴۳' ۴۴.۶۷' ۳۵°
بان تاش علی آباد	۱۹۵۷	۸۰ × ۷۰	۷۵ متر	۱۳°-۱۹°	جنوب شرق	طول شرقی "۰۱.۶۲' ۲۱' ۴۷° عرض شمالی "۰۳' ۴۳' ۳۵°
تپه سرقلعه (درکین) خراسان	۱۹۷۰	۱۲۰ × ۶۵	۶۰ متر	۰-۵°	جنوب شرق	طول شرقی "۰۶.۵۲' ۱۶' ۴۷° عرض شمالی "۴۳' ۳۳.۹۳' ۳۵°
تپه کلازرخانم، روستای شیرکش پایین	۱۹۵۱	۱۷۰ × ۷۰	۲۰۰ متر	۵°-۱۳°	شمال	طول شرقی "۰۱.۲۰' ۲۱' ۴۷° عرض شرقی "۰۴' ۱۵.۰۸' ۳۵°
تپه امارت قروچای	۱۸۸۱	۷۰ × ۷۰ (؟)	۱۰۰ متر	۰-۵°	شمال	طول شرقی "۰۷.۵۸' ۱۷' ۴۷° عرض شمالی "۲۲' ۲۳.۵' ۳۵°
تپه کهنه سیس	۱۹۰۰	۷۸ × ۱۱۸ (؟)	۳۰۰ متر	۰-۵°	شمال	طول شرقی "۰۶.۵۱' ۱۶' ۴۷° عرض شمالی "۱۲' ۲۶.۸۶' ۳۵°
تپه بزرگ تلوار	۱۷۷۵	۲۰۰ × ۱۷۵	۱۸ متر	۰-۵°	غرب	طول شرقی "۰۶.۵۹' ۲۶' ۴۷° عرض شمالی "۰۲' ۵۹.۴۹' ۳۵°
تپه فلاکهنه روستای توپره‌ریز	۱۷۹۲	۱۲۵ × ۱۲۰	۳۰۰ متر	۰-۵°	جنوب شرق	طول شرقی "۰۸.۳۶' ۲۸' ۴۷° عرض شمالی "۱۳' ۵۲.۶۸' ۳۵°
تپه شخص روستای گچی گرد	۱۷۶۶	۴۵ × ۸۵ (؟)	۷ متر	۰-۵°	جنوب غرب	طول شرقی "۰۵.۳۵' ۳۵' ۴۷° عرض شمالی "۲۳' ۴۲.۲۰' ۳۵°
تپه فلاکهنه روستای کنگره	۱۹۸۸	۱۱۰ × ۷۰	۴۶ متر	۵°-۱۳°	شمال شرق	طول شرقی "۰۳.۱۵' ۳۲' ۴۷° عرض شمالی "۰۷' ۵۳.۹۹' ۳۵°
تپه فصلان	۱۸۰۷	۱۱۵ × ۱۱۰	۱۲۰ متر	۰-۵°	شمال	طول شرقی "۰۹.۳۶' ۴۹' ۴۷° عرض شمالی "۱۴' ۲۶.۸۳' ۳۵°
تپه مجین	۱۸۳۵	۹۵ × ۶۰	۱۰۰ متری فصلی و ۹۰۰ متری دائمی	۰-۵°	شرق	طول شرقی "۰۵.۲۶' ۵۷' ۴۷° عرض شمالی "۰۱' ۳۶.۱۶' ۳۵°
تپه میری روستای میهم	۱۹۱۲	۱۵۰ × ۸۰	۱۶۰ متر	۰-۵°	شرق	طول شرقی: "۰۴.۵۵' ۵۴' ۴۷° عرض شمالی "۰۳' ۱۹.۹۹' ۳۵°